

# جامعه‌شناسی معرفت و فرهنگ: تنوع یا تغییر نگرش از کلاسیک به جدید

محمد توکل\*

دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت ۸۶/۹/۲۶، تاریخ تصویب ۸۷/۲/۲۳)

## چکیده

مباحث و گفتگوهای جدیدی در ارتباط با حوزه جامعه‌شناسی معرفت مطرح است به طوری که بعضی احساس می‌کنند جامعه‌شناسی معرفت جدیدی شکل گرفته که نه تنها با جامعه‌شناسی معرفت کلاسیک متفاوت است بلکه با آن در تضاد است. در این راستا مقاله حاضر ایده‌ها و جریانات مهم در شکل‌گیری جامعه‌شناسی معرفت کلاسیک با تنوع برداشت‌ها و تأکیدات را تشریح نموده و از جمله مسأله فرهنگ را که عامل برجسته در بحث‌های اخیر است در آن جریانات مورد بحث قرار می‌دهد. مقاله، سپس زنجیره تاریخی توسعه و تحول نظری در این رشته را به تأکیدات و برداشت‌های جامعه‌شناسی معرفت "جدید" می‌رساند و نشان می‌دهد که عمده این مباحث در دوره کلاسیک جامعه‌شناسی معرفت نه مغفول بوده‌اند و نه مهجور.

## مقدمه

مسئله هسته‌ای جامعه‌شناسی معرفت مسئله "تعیین اجتماعی معرفت"، ولو با تعبیرات مختلف است. حتی قبل از شکل گرفتن رسمی جامعه‌شناسی معرفت توسط ماکس شلر<sup>۱</sup> در دهه دوم قرن بیستم، مضمون این سؤال دهه‌ها و حتی قرن‌ها مطرح بوده و سابقه طرح آن در بعضی از مکتب‌های فکری به بیش از دو هزار سال پیش برمی‌گردد.

منظور از این مسئله، یعنی "تعیین اجتماعی معرفت"، چیست؟ بیان ساده مسئله این است که خاستگاه، منشأ و یا مظهر ایده‌ها، افکار، ذهنیت‌ها، نظریه‌ها و سیستم‌های معرفتی، جامعه است - یا به بیانی دیگر آنها در چارچوب‌های اجتماعی شکل می‌گیرند و به پارامترها و واقعیت‌های اجتماعی وابسته‌اند. اگر از ظرافت‌هایی نظیر اینکه منظور از معرفت چیست و در برگیرنده چه مؤلفه و حوزه‌هایی است و یا چه برداشت‌هایی از تعین به لحاظ عمق، فراگیری و درجه وجود دارد و اینکه چه جنبه‌ها و واقعیت‌هایی از جامعه دخیل در کار معرفت است بگذریم، این مسئله مشغولیت مهم ذهنی مکاتب فلسفی و نظری به خصوص قرن ۱۹ اروپا<sup>۲</sup> بوده و محافل فکری هگلی، نیچه‌ای، و مارکسی عمدتاً رویکردهای تاریخ‌گرایی<sup>۳</sup> و نسبی‌گرایی<sup>۴</sup> را در ارتباط با آن به کار گرفته‌اند. چنین مباحثی در محافل جدیدتر فکری - فلسفی در دهه‌های آغازین قرن بیستم با محوریت اندیشمندانی نظیر دیلتای<sup>۵</sup> استمرار و ظرافت‌های بیشتری یافته است.

چنانکه در بخش‌های بعدی این مقاله مشاهده می‌شود سؤال محوری جامعه‌شناسی معرفت در دهه‌های پایانی قرن بیستم از لحاظ تاکیدات و تعبیرات مسیر پرافت و خیزی را طی کرده و همچنان که در اواخر مقاله خواهیم دید، در آغاز قرن بیست و یکم به برداشت‌های ظاهراً متفاوتی از کلیت جامعه‌شناسی معرفت رسیده است - ولی نشان خواهیم داد که این ظاهر کار است.

## جامعه‌شناسی معرفت کلاسیک

با شکل‌گیری جامعه‌شناسی معرفت به عنوان شاخه‌ای از جامعه‌شناسی که با نظام‌مندی و تمرکز خاص به تعیین روابط بین فکر و جامعه، و بین معرفت‌ها و ساختارهای اجتماعی می‌پردازد، این حوزه جذابیت خاصی در رویارویی نظام‌های فکری، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و جهان‌بینی‌ها و

1. Max Scheler

۲. بعضی از تاریخ‌اندیشه‌نگارها آبخشور فکری جامعه‌شناسی معرفت را در روشنگری Enlightenment می‌دانند.

3. Historicism

4. Relativism

5. Dilthey

## جامعه‌شناسی معرفت و فرهنگ: تنوع یا تغییر نگرش از کلاسیک به جدید

ایدئولوژی‌های مختلف و متضاد پیدا کرد و نقش پرده‌برداری از ریشه‌ها و خاستگاه‌ها و ارتباطات اجتماعی آنها، و آشکارسازی اهداف و ارزش‌های آنها را عهده‌دار گردید.

در این اوضاع و احوال، همراه با کارهای عمیق و گستردهٔ ماکس شلر (۱۹۹۲، ۱۹۸۰، ۱۹۷۰، ۱۹۶۱، ۱۹۵۸، ۱۹۵۴) در جامعه‌شناسی معرفت، که جریان وسیع بحث و تبادل نظر اندیشمندان برجسته آلمانی آن زمان از حوزه‌های مختلف فکری، فلسفی، علوم انسانی و علوم اجتماعی را به دنبال داشت و پیوستن نیروهای فکری جوان‌تر چون مانهایم (۱۹۲۴، ۱۹۲۹، ۱۹۵۷، ۱۳۸۰) به این جریان، این احساس پدید آمد که به تدریج معرفت‌شناسی (به عنوان شاخه مهم فلسفه) رو به افول است و کم‌کم جای خود را به جامعه‌شناسی معرفت تحویل می‌دهد. در هر صورت، مرحله بعدی، بعد از این شوق و ذوق برای ریشه‌یابی اجتماعی ایده‌ها، پذیرش عام و وسیع جامعه‌شناسی معرفت به عنوان رشته‌ای است که تعین اجتماعی افکار، ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌ها را مطالعه و بررسی می‌کند. به خاطر چنین اهداف و چشم‌اندازهایی، جامعه‌شناسی معرفت شاید بیش از هر شاخهٔ دیگر جامعه‌شناسی، دانشمندان و پژوهشگران علوم اجتماعی و علوم انسانی را به خود جذب کرده است (استهر و مجا، ۱۹۸۵: ۲-۴۳۱).

چنین جامعه‌شناسی معرفتی در قلمروهای مختلف جغرافیایی- ملی ریشه‌های فکری خود را یافت و چونان شبکه ویژه‌ای به توسعه کمی و کیفی در درون این مرزبندی‌ها نائل شد. در خود آلمان، علاوه بر کار شلر، کارهای ديلتای<sup>۱</sup> (۱۹۶۲)، گرونوالد<sup>۲</sup> (۱۹۳۴)، آلفرد وبر<sup>۳</sup> (۱۹۲۰-۲۱) ماکس وبر<sup>۴</sup> (۱۳۷۴، ۱۳۸۴، ۱۹۷۸، ۱۹۷۴، ۱۹۳۰)، زیمل<sup>۵</sup> (۱۹۷۱)، سومبارت (۱۹۳۷)، بعد از مارکس (۱۳۷۷، ۱۹۷۵، ۱۹۷۰، ۱۹۶۳، ۱۹۵۹) کار صاحب‌نظران عمده مارکسی و شبه مارکسی مثل لوکاسچ<sup>۶</sup> (۱۹۷۵، ۱۹۷۱)، کورش<sup>۷</sup> (۱۹۷۲)، ارنست بلوخ<sup>۸</sup> (۱۹۷۲؛ ۱۹۷۱؛ ۱۹۷۴) و صاحب‌نظران نظریه انتقادی و مکتب فرانکفورت باعث تقویت و گسترش و تنوع جامعه‌شناسی معرفت شد.

1. Wilhelm Dilthey
2. Grunwald
3. Alfred Weber
4. Max Weber
5. Georg Simmel
6. Lukacs
7. Korsch
8. Ernst Bloch

به هر صورت تنوع و گسترش جامعه‌شناسی معرفت در آلمان که مهد این شاخه جامعه‌شناسی بود، سه جریان عمده را شکل داد که در وضعیت و موقعیت و محتوای جامعه‌شناسی معرفت در سایر کشورها و معرفی جهانی آن پر اثر بود. اول، جریانی که سابقه تاریخی بیشتری داشت، تفکرات مارکسی بود و تعبیرات مارکسیستی در جامعه‌شناسی معرفت. دوم جامعه‌شناسی معرفت مانهایم بود و همفکران و پیروان شبه مارکسی و چپ‌گرای وی. سوم، تفکرات ماکس شلر بود (به عنوان بیانگذار جامعه‌شناسی معرفت) و کسانی که تفکرات نزدیک به او داشتند - مثل وبر، زیمل، سومبارت، و اصحاب فنومنولوژی سه جریان مذکور را می‌توان به قرار زیر تشریح نمود:

مارکس: از نظریات وی در چگونگی ارتباط بین فکر و جامعه و به بیانی در پاسخ به مسأله تعیین اجتماعی معرفت، فرمول‌هایی را می‌توان استخراج کرد:

۱- در مسیر تاریخی جوامع، تقسیم کار وقتی جدی می‌شود که تقسیم کار ذهنی از کار مادی ظاهر شود (مارکس، ۱۹۷۰: ۵۱-۵۰).

۲- رابطه علی عمدتاً از زیر بنای مادی (روابط تولید) به رو بنای ذهنی است (که به جز علم همگی ایدئولوژی هستند) (مارکس، ۱۹۰۴: ۱۱).

۳- ایده‌های طبقه حاکم، ایده‌های حاکم جامعه است (مارکس، ۱۹۷۰: ۶۴).

۴- و در کل، هستی اجتماعی آگاهی را تعیین می‌بخشد و نه بالعکس (مارکس، ۱۹۰۴: ۱۱).

مانهایم: چهار مفهوم اساسی مانهایمی در جامعه‌شناسی معرفت که حول آنها نظریات وی شکل می‌گیرد عبارتند از: ایدئولوژی و اتوپیا<sup>۱</sup>، فکر پرسپکتیوی<sup>۲</sup>، پارامترهای وجودی<sup>۳</sup> فکر، و روشنفکران غیروابسته<sup>۴</sup>. نزد مانهایم، علائق اجتماعی، ایدئولوژی عام را در بین آحاد جامعه شکل می‌دهد، واقعیت‌های تاریخی، به نسل‌ها در دوره‌های مختلف منظر خاصی می‌دهد، و در جمع، پارامترهای وجودی، فکر را می‌سازد (مانهایم، ۱۹۲۹: ۲۴۰ و ۱۹۲۴: ۱۰۷). تشابه و نزدیکی مانهایم با مارکس به وضوح قابل دریافت است.<sup>۵</sup>

1. Ideology & Utopia
2. Perspective
3. existential factors
4. socially unattached intellectuals

۵. البته این به معنی تطابق نظرات آندو نیست. برای دیدن تفاوت‌های جامعه‌شناسی معرفتی مارکس و مانهایم مراجعه کنید به

Tavakol, M. 1987, P. 76

## جامعه‌شناسی معرفت و فرهنگ: تنوع یا تغییر نگرش از کلاسیک به جدید

اما شلر، متفاوت می‌اندیشد. تعین اجتماعی فکر در یک سیستم اجتماعی- فرهنگی تحت فرایند "قربت انتخابی"<sup>۱</sup> در تعامل عوامل ایده‌ای و عوامل واقعی<sup>۲</sup> تحقق می‌یابد (شلر، ۱۹۸۰: ۶۳-۶۲)؛ "به میزانی که ایده‌ها، از هر نوع، با علائق، سائقه‌ها و گرایش‌ها متحد می‌شوند، به صورت غیرمستقیم قدرت می‌یابند و یا امکان تحقق پیدا می‌کنند" (همان: ۳۷ و ۵۴). در نتیجه برخلاف تقریباً کل فلسفه ایدالیسم، ایده صاحب قدرت نیست، بلکه قدرت در واقعیت (فاکتورهای واقعی) است (اگرچه این‌ها بصیرت ندارند - کورند - و بصیرت در اوئی‌هاست، در ایده‌ها). این بازی دوگانه بین عوامل ایده‌ای و عوامل واقعی، در سطح تاریخی - اجتماعی (و در جامعه‌شناسی معرفت)، ما به ازاء بازی دوگانه روح- سائقه<sup>۳</sup> در سطح فردی (در انسان‌شناسی فلسفی) شلر است.<sup>۴</sup> لازم به تذکر است که به نظر شلر در سیر تاریخی جوامع، همه عوامل به یک اندازه قدرت یا عاملیت ندارند و بسته به فاز یا نوع جامعه یکی از آن عوامل (خویشاوندی، سیاسی، اقتصادی) به عنوان عامل مسلط عمل می‌کند و متناظر با آن هم یک نوع معرفت (مذهب، فلسفه، علم) معرفت مسلط است.

در هر صورت از نظر شلر در کل این ماجرا شکل معرفت و نه محتوا (مشخصاً حقیقت و درستی) معرفت تحت تعین جامعه‌شناختی قرار می‌گیرد (همان: ۷۲) - و رابطه هم از نوع گرایش<sup>۵</sup> و نه علت<sup>۶</sup> است.

در بین سه جریان فکری مذکور، جامعه‌شناسی مارکس و مانهایم، علی‌رغم برخی تفاوت‌ها (با هم و با جامعه‌شناسی معرفت دورکیم همچنان که بعداً اشاره می‌کنیم) تصویر کلی غالب، شایع و عمومیت یافته را از موضوع، هدف، و روش جامعه‌شناسی معرفت برای مخاطبان و علاقمندان عام ارائه می‌دادند: رابطه نسبتاً علی از جامعه (ساختار، نهادها، طبقات) به کل فکر و معرفت (روینا، ایدئولوژی، آگاهی). این الگوی رویهمرفته حساب شده، مرزبندی شده، شُسته رفته، سفت و سخت و غیرمنعطف، عمدتاً همان چیزی است که از دهه ۸۰ (میلادی) به بعد به عنوان جامعه‌شناسی معرفت (بدون پسوند)، جامعه‌شناسی معرفت کلاسیک یا جامعه‌شناسی معرفت قدیم مورد نقد، انتقاد، تجدیدنظرطلبی، و حتی ردّ و نفی قرار می‌گیرد.

1. elective affinity

2. ideal & real factors

3. spirit-drive

۴. مراجعه کنید به کتاب شلر، 1961. Man's Place in Nature, Boston, chap 1, Scheler M F. و نیز کتاب Philosophical

Perspectives وی صفحات ۷ تا ۹. نیز در فارسی مراجعه کنید به کتاب توکل و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۴۱-۱۴۰.

5. tendency

6. cause

چنان که بعداً بحث خواهد شد جامعه‌شناسی شلری در تعریف موضوع، و تعیین حدود و مرزها، و نوع ارتباطی بین معرفت و جامعه از چنان وسعت نظری برخوردار بوده است که به نظر ما توانسته است از بسیاری از نقدهای تجدیدنظرطلبانه جامعه‌شناسی معرفت "جدید" مبرا بماند و به عنوان جریان قوی‌تر و عمیق‌تر در مقایسه با سایر گرایش‌ها، برداشت‌ها و جریان‌ات در جامعه‌شناسی معرفت، استقرار و استمرار یابد.

در فرانسه وجود ریشه‌های فکری نظیر ژان ژاک روسو (۱۹۱۱، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۸۵)، منتسکیو (۱۹۷۷؛ ۱۳۶۲)، سن سیمون (۱۹۶۴)، آگوست کنت (۱۹۸۲)، و بیش از آنها دورکیم (۱۹۱۵؛ ۱۹۳۳؛ ۱۹۶۱؛ ۱۳۷۳؛ ۱۳۸۱؛ ۱۳۸۴)، و همکاران و شاگردان وی چون لوی برول<sup>۱</sup> (۱۹۶۶) و مارسل موس (۱۹۷۰)، زمینه غنی‌ای برای نسل بعدی صاحب‌نظر در جنبه‌های اجتماعی معرفت چون ژان پل سارتر (۱۹۴۸؛ ۱۹۵۵؛ ۱۹۷۲؛ ۱۹۷۶؛ ۱۳۷۹؛ ۱۳۸۴)، و موریس مرلئوپوتی<sup>۲</sup> (۱۹۶۲؛ ۱۹۶۳؛ ۱۹۶۴؛ ۱۹۷۴) و بعدتر ریمون آرون<sup>۳</sup> (۱۹۵۷؛ ۱۹۶۵؛ ۱۹۶۸؛ ۱۳۶۴؛ ۱۳۷۶) ژرژ گورویچ<sup>۴</sup> (۱۳۵۳؛ ۱۹۷۱؛ ۱۹۶۳)، فوکو<sup>۵</sup> (۱۳۸۴ الف؛ ۱۳۸۴ ب؛ ۱۹۷۲؛ ۱۹۶۵) و بوردیو<sup>۶</sup> (۱۳۸۱؛ ۱۹۹۳؛ ۱۹۸۴) که هر کدام نگاهی به نگاه‌های جامعه‌شناسی معرفت افزودند، فراهم آورد. اما در جامعه‌شناسی معرفت فرانسه علی‌رغم گوناگونی صاحب‌نظران و رویکردها، دورکیم قوی‌ترین و ماندگارترین نظریه‌پرداز مؤثر است. حضور سنگین دورکیم تنها مؤثر بر جامعه‌شناسی معرفت فرانسه نیست بلکه علی‌رغم اختلاف مشی و نگرش با مانهایم، این دو با هم شکل دهنده مختصات اصلی جامعه‌شناسی معرفت کلاسیکی هستند که ناراضیان، تجدیدنظر طلبان و منتقدین تحت لوای جامعه‌شناسی معرفت جدید آن را با نگاه انتقادی ارزیابی کردند.

جامعه‌شناسی دورکیم چند ورودی قوی به جامعه‌شناسی معرفت داشت. اول، دستاورد نظری مهم دورکیم، تحت عنوان تقسیم کار اجتماعی بود. تقسیم کار اجتماعی هم فی نفسه و هم بلحاظ تبعاتش قضیه‌ای معرفتی نیز هست. دوم، مفهوم کلیدی وی یعنی آگاهی جمعی بود که ذهن افراد در جامعه از آن موجودیت و انعکاس می‌یابند. سوم بحث سؤال‌برانگیز تعین اجتماعی مقولات اساسی فکر (زمان،

---

1. Levi-Bruhl  
2. M. Merleau-Ponty  
3. Raymond Aron  
4. Georges Gurvitch  
5. Michel Foucault  
6. Pierre Bourdieu

## جامعه‌شناسی معرفت و فرهنگ: تنوع یا تغییر نگرش از کلاسیک به جدید

مکان، علیّت)، حداقل در جوامع ابتدایی، بود که بنیادی‌ترین مؤلفه‌های تفکر را مقولاتی اجتماعی می‌کرد.<sup>۱</sup>

در ایتالیا، ویکو<sup>۲</sup> (۱۹۶۱) زمینه و ریشه تاریخی نگاه اجتماعی به معرفت را شکل داده بود؛ نگاهی که بعضی مصراً برآند که مأخوذ یا مألوف با نظرات ابن خلدون (۱۳۷۳؛ ۱۹۵۸) در آن سوی ایتالیا در شمال آفریقا (تونس) بود. در دوره رشد و بلوغ جامعه‌شناسی معرفت، پارتو<sup>۳</sup> (۱۹۳۵) از یک طرف و گرامشی<sup>۴</sup> (۱۹۷۱) از طرف دیگر بر عمق و غنای آن افزودند.

در انگلستان، مایه‌های پر قدرت فکری فرانسیس بیکن<sup>۵</sup> (۱۹۰۰) و نظرات جان استوارت میل<sup>۶</sup> (۱۹۴۸) و اسپنسر<sup>۷</sup>، در این دوره، با متفکرین مهاجری چون پولانیه<sup>۸</sup> (۱۹۵۸) و بعدها اشتارک<sup>۹</sup> (۱۹۶۲)؛ ۱۹۶۰؛ ۱۹۵۸) و مانهایم، جریان جدیدی نه تنها در جامعه‌شناسی معرفت بلکه در کل جامعه‌شناسی انگلستان به راه انداخت که بیش از انتظار نقش‌آفرین شد و این زنجیره به متأخرین جامعه‌شناسی معرفت معاصر مثل تام باتومور<sup>۱۰</sup> (۱۹۵۶) و آنتونی گیدنز<sup>۱۱</sup> (۱۳۷۸، ۱۹۹۵، ۱۹۹۱) رسید.<sup>۱۲</sup>

اما در آمریکا، با مشرب‌های فکری - فلسفی - اجتماعی خاص خود و با وجود مدلهای مسلط فکری پراگماتیسم<sup>۱۳</sup> و رفتارگرایی<sup>۱۴</sup>، شخصیت‌هایی مثل دیوئی<sup>۱۵</sup> (۱۹۷۰؛ ۱۹۳۸؛ ۱۹۲۵)، مید<sup>۱۶</sup> (۱۹۳۸؛ ۱۹۳۴؛ ۱۹۳۲)، پیرس<sup>۱۷</sup> (۱۹۳۱)، و مهاجری نظیر سوروکین<sup>۱۸</sup> (۱۹۶۴)، زنانیکی (۱۹۴۰) و منفردینی مثل تورشتاین وبلن<sup>۱۹</sup> (۱۹۱۹)، جامعه‌شناسی معرفت هویت‌ها و رویکردهای مختلفی یافت.

۱. مراجعه کنید به دورکیم (۱۹۱۵) و دورکیم و موس (۱۹۷۰).

2. Vico
3. Pareto
4. Gramsci
5. Francis Bacon
6. J.S. Mill
7. Spencer
8. Michael Polanyi
9. Werner Stark
10. Tom Bottomore
11. Anthony Giddens

۱۲. خیلی‌ها نظریه "چهارت" فرانسیس بیکن که فی‌الواقع چهار عامل مؤثر بر ذهن و فکر انسان‌ها هستند را ریشه نگرش جامعه‌شناسی معرفت در تفکر اجتماعی مدرن به حساب می‌آورند. مراجعه کنید توکل، ۱۹۸۷: ۵۵-۵۶.

13. Pragmatism
14. Behaviorism
15. John Dewey
16. Mead
17. Pierce
18. Sorokin
19. Thorstein Veblen

از آن جمله می‌توان به رویکرد کارکردی - ساختاری پارسونز<sup>۱</sup> (۱۹۶۱؛ ۱۹۵۹) و مرتون<sup>۲</sup> (۱۹۷۰؛ ۱۹۵۷؛ ۱۹۳۷)، رویکردی با ریشه‌های قوی پراگماتیستی ولی نیز پدیدارشناختی از طریق شوتر<sup>۳</sup> (۱۹۶۲) که مهمترین نماینده‌اش برگر<sup>۴</sup> (۱۳۷۵؛ ۱۹۶۷؛ ۱۹۶۳) و لوکمان<sup>۵</sup> اند؛ نحله شبه مارکسی جامعه‌شناسی معرفت آمریکایی متشکل از افرادی نظیر رملینگ (۱۹۷۳) و گوردون چایلد (۱۹۷۳)، و صورت نظریه انتقادی آن یعنی فروم (۱۹۸۰؛ ۱۹۶۳؛ ۱۹۶۴؛ ۱۹۴۹)، مارکوزه (۱۳۵۹؛ ۱۳۵۹؛ ۱۹۷۲؛ ۱۹۷۰؛ ۱۹۵۶؛ ۱۹۵۵)، و تا حدی سی رایت میلز<sup>۶</sup> (۱۹۴۰؛ ۱۹۳۹؛ ۶۸۰-۶۷۰)، و دنباله‌روهای مشی اروپایی - آلمانی جامعه‌شناسی معرفت نظیر اشتارک، بکر (۱۹۸۲) و کوزر (۱۳۷۰؛ ۱۹۸۲؛ ۱۹۷۱) اشاره کرد. علاوه بر این‌ها جریان قوی جامعه‌شناسی معرفتی کاربردی آمریکایی که در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی، علوم انسانی و علوم سیاسی پراکنده است. اما با وجود این، اگر قرار باشد از یک الگوی تأثیرگذار و ماندگار در سنت آمریکایی جامعه‌شناسی معرفت صحبت کنیم این جان دیوئی است که صاحب تألیفات متعدد و مؤثر ماندنی است که مستقیماً به مسائل جامعه‌شناسی معرفت مربوط می‌شوند و لو اینکه به اندازه کافی مورد آگاهی و شناخت واقع نشده باشند. فکر و اندیشه دیوئی گرایش‌ها و رویکردهای متنوع و وسیعی را در زمان خود و پس از خود مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر گرفته و عدم اعلان یا پذیرش رسمی آن از نفوذ وی در جامعه‌شناسی معرفت آمریکا نمی‌کاهد. تعریف دیوئی از ارتباط بین فکر و جامعه را در بیان نوعی وی در اثری که در سال ۱۹۱۵ چاپ شده می‌توان یافت: "چیزی به عنوان ایده خالص و عقل خالص وجود ندارد. هر فکر زنده‌ای یک تصویر از جهان، یک نگرش نسبت به وضعیت عینی ... است".<sup>۷</sup> در سایر نوشته‌ها نیز دیوئی عموماً از وابستگی بین نظم اجتماعی و ذهن افراد سخن می‌گوید و در دیدن این ارتباط وسعت نظر دارد و که همان‌طور که بعداً خواهیم دید، به همین خاطر است. که به وی به مثابه یک الگو و مرجع در "تصحیح" یا "تجدیدنظر" جامعه‌شناسی معرفت در آمریکا ("جامعه‌شناسی معرفت جدید") نگاه می‌شود.

در اروپای شرقی و به‌طور کلی بلوک شرق، چنانکه می‌دانیم تا قبل از فروپاشی شوروی جامعه‌شناسی بطور رسمی شکل نگرفت و توسعه نیافت. این وضعیت در مورد جامعه‌شناسی معرفت هم صادق است. مباحث مطروحه در جامعه‌شناسی معرفت در بلوک شرق در قالب معرفت‌شناسی به

- 
1. Parsons
  2. Merton
  3. Schutz
  4. Peter Berger
  5. Thomas Luckmann
  6. C. Wright Mills
  7. Quoted in Curtis & Petras, 1970, *The Sociology of Knowledge: A Reader*, New York: op.cit, P. 2.

## جامعه‌شناسی معرفت و فرهنگ: تنوع یا تغییر نگرش از کلاسیک به جدید

اصطلاح فلسفی و آن هم با دید مارکسیستی طرح و مورد بحث قرار می‌گرفت. نمونه آن در لهستان کارهای شاف<sup>۱</sup> (۱۹۶۲) است و در مقابل آن بحث‌های آزادتر و نگاه بازتر کولاکوفسکی (۱۹۷۸؛ ۱۹۶۹) که بعداً به غرب مهاجرت کرد.

کمی هم در مورد ایران بگوئیم. جامعه‌شناسی معرفت عمدتاً در دهه ۵۰ (شمسی) وارد مباحث و محافل معرفتی کشور شد. در دانشگاه تهران توسط دکتر راسخ و دکتر نظامی بیشتر حاشیه‌ای به آن پرداخته می‌شد. در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) دکتر آشتیانی با گرایش ویژه فلسفی به آن می‌پرداخت و هم او اولین کتاب جامعه‌شناسی شناخت را در ایران چاپ کرد. در دانشگاه مشهد دکتر صدر نبوی بعضی از مسائل آن را در قالب انسان‌شناسی فلسفی بحث و بیان می‌کرد. بعد از فترت یا سکوت نسبی دو دهه‌ای، به صورتی رسمی‌تر، نویسنده حاضر پس از بازگشت به ایران، در سال‌های پایانی دهه ۶۰ در دانشگاه‌های تهران (و شیراز)، تدریس جامعه‌شناسی معرفت را در قالب دروس کارشناسی ارشد و دکتری شروع کرد و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و مقالات و بعضی تحقیقات کوتاه به دنبال آنها شروع شد که با اقبال خوب دانشجویان و دانش‌پژوهان در داخل و خارج دانشگاه همراه بود (توکل، ۲۰۰۶؛ ۱۹۷۸؛ ۱۳۸۳؛ ۱۳۸۳؛ ۱۳۷۷؛ ۱۳۷۵).

آنچه در این مرور سریع تاریخی - جغرافیایی گفته شد به لحاظی می‌شود آنها را عمدتاً جریان کلاسیک جامعه‌شناسی معرفت دانست و نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران نامبرده را کلاسیک‌ها یا کلاسیست‌های<sup>۲</sup> جامعه‌شناسی معرفت به حساب آورد. اما بعد کلاسیک (Post-Classic) جامعه‌شناسی معرفت چیست؟ و ویژگی‌های نظری آن کدامست؟

ویژگی‌های عمده آنچه بعد کلاسیک جامعه‌شناسی معرفت تعبیر یا تفسیر می‌شود، فاصله گرفتن از نظریه عام یا جهانشمول جبر اجتماعی معرفت با تکیه بر عاملیت طبقه و ساختار اجتماعی و با تأکید بر ایدئولوژی است و رفتن به طرف فضای فرهنگ، تحلیل فرهنگی، و برداشت و تفسیر معنایی.

اگر یک مؤلفه مهم در این تغییر و جابجایی تأکید در جامعه‌شناسی معرفت فرهنگ است، باید گذری به آن و ارتباطش با جامعه‌شناسی در نیمه دوم قرن بیستم داشته باشیم. این یک واقعیت است که در ظرف دو سه دهه گذشته شاخه فرهنگ یکی از بزرگترین و رو به رشدترین شاخه‌های انجمن جامعه‌شناسی آمریکا به عنوان بزرگترین تشکل جامعه‌شناسی دنیا بوده است، و مطالعات فرهنگی و تحلیل فرهنگی در چارچوب جامعه‌شناسی از حوزه‌های پرجاذبه گردیده است. رسیدن به این وضعیت بهر حال نتیجه یک فرایند پر کش و قوس در دهه‌های قبلی در رابطه با مفهوم فرهنگ و ارتباطش با

---

1. Adam Schaaf  
2. Classists

مفهوم ساختار اجتماعی است. مجادله بین "فرهنگ‌گراها" و "ساخت‌گراها" بوده است. گروه اول شامل مارگارت مید (۱۹۵۸؛ ۱۹۲۸)، آلفرد کروبر (۱۹۵۲؛ ۱۹۵۸؛ ۱۹۵۲) و روث بندیکت (۱۹۳۴) به تبع از فرانز بوآس (۱۸۹۶) و مالینوفسکی (۱۹۳۱؛ ۱۹۲۷) اعتقاد داشتند که فرهنگ مفهوم محوری و اولویت‌دار در علوم اجتماعی است. در مقابل گروه دوم شامل رادکلیف براون (۱۹۵۲)، ایوانز پریچارد (۱۹۴۰؛ ۱۹۳۷) و لوی اشتراوس<sup>۱</sup> (۱۹۵۸) مدعی بودند که ساختار اجتماعی مفهوم کلیدی در مباحث مربوط به جامعه است. به بیان دیگر، علیرغم ارتباط درونی و وابستگی مفاهیم مورد تأکید، در حالیکه ساختارگراها اولویت را به روابط اجتماعی می‌دادند و شبکه، فرهنگ‌گراها اولویت را به هنجارها، رفتارها و معرفت فرهنگی می‌دادند. بحث بین این دو گروه یا دو رویکرد یا دو مکتب مدتها ادامه داشت و هر دو طرفداران و پیروان پروپا قرصی داشتند.

در ادامه این مجادله و با اهمیت فزاینده یافتن فرهنگ در دهه ۱۹۵۰ یک اتفاق مهم نظری انتشار مقاله مشترک پارسونز<sup>۲</sup> و کروبر در سال ۱۹۵۸ بود که سعی کرد مرزبندی بین این دو مفهوم مرکزی را ارائه دهد. در این نوشتار، فرهنگ به مثابه یک سیستم سمبلیک - معنایی بیان شده است؛ بیانی که توان بکارگیری و اعمال تحلیل فرهنگی را در هر حوزه فعالیت اجتماعی دارد.

در دهه‌های بعد، در درون مباحث فرهنگی و بین اصحاب آن، رایزنی و گفتگو در مورد اینکه مطالعات فرهنگی و تحلیل فرهنگی باید شامل چه مؤلفه‌ها، جنبه‌ها، و حوزه‌هایی شود به وفور یافت می‌شود که گاه، فراتر از این‌ها، به برداشت‌های متفاوت از کم و کیف خود فرهنگ منجر می‌شود<sup>۳</sup>. این اختلاف نظرها هم دامن "جامعه‌شناسی فرهنگ" و هم "مطالعات فرهنگی" را می‌گیرد. به طور خلاصه جامعه‌شناسی فرهنگ هدف خود را کمک به تعریف و بیان دیدگاه‌های نظری جدید در حوزه تحقیقات اجتماعی فرهنگ می‌بیند که گستره آن از قلمرو هنر، مذهب، علم و تکنولوژی، رسانه‌ها، فرهنگ عامه و سایر سپهرهای اجتماعی است که در آنها اشکال فرهنگی ثبت شده و قابل دستیابی‌اند. از طرف دیگر می‌توان گفت که "مطالعات فرهنگی" با اینکه در برگیرنده یک شبکه بین‌رشته‌ای نه چندان مشخص و مستحکم از صاحب‌نظران و کارهای آنان از منظرهای مختلف و در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی و هنر است، با بکارگیری خوب توان تبیینی تحلیل فرهنگی،

1. Levi- Strauss

2. Talcott Parsons

۳. مراجعه کنید به بخش Culture در: *Encyclopedia of Sociology*/Edgar F. Borgatta, editor-in-chief, Seattle, pp.562-572. 2nd ed. 2000. University of Washington,

4. Sociology of Culture

5. Cultural Studies

## جامعه‌شناسی معرفت و فرهنگ: تنوع یا تغییر نگرش از کلاسیک به جدید

بررسی‌های متنوع و وسیع فرهنگی به وجود آورده است که بر جامعه‌شناسی فرهنگ تأثیرگذار بوده است - علیرغم اینکه غالباً با کارهائیکه جامعه‌شناسان نوعاً انجام می‌دهند، هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ تجربی، متفاوت بوده است.<sup>۱</sup>

### جامعه‌شناسی معرفت جدید

در هر صورت مجموعه کارهای پژوهشی، نظری، و مطالعاتی فوق‌الذکر این برداشت را تقویت کرده است که فرهنگ به مثابه یک دیدگاه تبیینی و تفهیمی پهنه برجسته‌ای است هم در فضای جامعه‌شناسی، هم در خارج آن - و همین طور هم در درون دانشگاه و هم بیرون از آن - و چنانکه قبلاً هم گفتیم همین نگرش یعنی برجستگی فرهنگ و بداعت و راهگشایی تحلیل فرهنگی، از محرکه‌های جریانی بود که رویکرد جدیدی را در جامعه‌شناسی معرفت نیز تعریف کرد که گاه از آن به عنوان جامعه‌شناسی معرفت جدید<sup>۲</sup> نام برده می‌شود.<sup>۳</sup>

این رویکرد جدید که بعضی آن را چرخش از دیدگاه کلاسیک جامعه‌شناسی معرفت می‌دانند در زمانی اتفاق افتاد که "فرهنگ"، "معرفت"، و "زبان"، تم‌های محوری جریان جدید جامعه‌شناسی شده بودند. وجه مشخصه این جریان جدید جامعه‌شناسی، یا بهتر بگوئیم کل علوم اجتماعی، فاصله گرفتن از نظریه‌های ساختار اجتماعی و رفتن به طرف فضای معنا در جامعه، شکل‌گیری، تبادل و بازتولید آن است. در این فضای معنا و رفتار فرهنگی، تبیین فعل و انفعالات نه علی‌اند، نه تحصیلی‌اند<sup>۴</sup> و نه تقلیل‌گرایانه<sup>۵</sup>؛ بلکه تفسیری‌اند و تفهیمی.

شکل‌گیری جدی این رویکرد جدید یا "جامعه‌شناسی معرفت جدید" در دهه پایانی قرن بیستم است و بیان صریحتر آن در آثار صاحب‌نظران مطرح‌تری چون سویدلر<sup>۶</sup> (۱۹۹۴)، آردیتی<sup>۱</sup> و مک‌کارتی<sup>۲</sup>

۱. برای آگاهی بیشتر از جریان‌های مهم فکری در مطالعات فرهنگی مراجعه کنید به

Lee R. 2003. *The Life and Times of Cultural Studies: The Politics and Transformations of the Structures of Knowledge*. Durham: Duke University Press.

در این کتاب Lee هم مهم‌ترین مطالب مربوط به مطالعات فرهنگی را نقل می‌کند و هم سعی می‌کند آینده معرفت فرهنگی در ساخت‌دهی جامعه را به تصویر کشد - اگرچه قضیه پایان نیافته تمام می‌شود. در ضمن برای مرور جریان‌های فکری مشابه و جمع‌بندی آنها در جامعه‌شناسی فرهنگ به تألیف جدید جفری الکساندر: Alexander J C. 2003. *The Meanings of Social Life: A Cultural Sociology*. New York: Oxford University Press. مراجعه کنید.

2. New Sociology of Knowledge

۳. مراجعه کنید به Swidler (۱۹۹۴) و McCarthy (۱۹۹۶) به شماره‌های ۸۱ و ۸۲

4. Causal

5. Positivist

6. Reductionist

7. Swidler

(۱۹۹۶). در این جامعه‌شناسی معرفت جدید، مسائلی از قبیل انواع جدید سازمان اجتماعی دخیل در معرفت، موقعیت اجتماعی<sup>۳</sup> جدید معرفت و فرهنگ؛ و نظریه‌های جدید قدرت و جنسیت بجای نظریه‌های کلاسیک اقتصادی - طبقاتی - نهادی مطرح می‌شود و تمرکز بر موضوعاتی نظیر "معرفت غیر رسمی"<sup>۴</sup>، معرفت زندگی روزمره<sup>۵</sup> است و مسائل جامعه معرفتی<sup>۶</sup> و فناوری اطلاعات<sup>۷</sup> (اورس، ۲۰۰۰)<sup>۸</sup>.

سویدلر و آردیتی (۱۹۹۴)، در مقاله‌ای که نقش محوری در مباحث جامعه‌شناسی معرفت جدید داشته و مورد مراجعه بسیار بوده است، اذعان می‌کنند که الگوی نقدشان از جامعه‌شناسی معرفت قدیم، جامعه‌شناسی معرفتی مانهایمی است که در مرکزیت آن این سؤال است که چگونه موقعیت اجتماعی افراد و گروه‌ها به معرفت شکل می‌دهد. در نقد آن نیز با گیرتیز<sup>۹</sup> و همفکران بعد از وی، برای تجدیدنظر در جامعه‌شناسی معرفت تحت تأثیر مطالعات فرهنگی همراه می‌شوند. همینطور نقد آنها از مفهوم معرفت در جامعه‌شناسی "قدیم" معرفت به عنوان معرفتی که در برگیرنده سیستم‌های رسمی معرفتی است. باز چنان که اشاره کردیم آن یک برداشت شلری (و حتی بعضی دیگر از کلاسیست‌های جامعه‌شناسی معرفت) نیست. از نظر شلر، معرفت<sup>۱۰</sup> در برگیرنده بسیاری از مؤلفه‌های وسیع‌تر و سیال‌تر و عمیق‌تر ذهن، نگرش‌ها، گرایش‌ها، حالت‌ها، جهت‌گیری‌های روانی و ارزشی، خصائص و خصلت‌ها، انگیزه‌ها، احساسات و روحيات می‌شود که در تأملات و افکار همه لایه‌های اجتماعی، و از جمله عموم و عوام و آدم‌های کوچک و بازار، و همه فرایندهای ذهن و از جمله در هنر و سرگرمی و سایر مصادیق سمبلیک (که مورد علاقه جامعه‌شناسی معرفت "جدید" است) بروز می‌یابد. به همین منوال، تأکید دیگر جامعه‌شناسی معرفت جدید که این مقاله هم به تحلیل آن پرداخته، یعنی تأثیرگذاری سازمان اجتماعی و شکل اقتدار بر نظام معرفتی، در دوره شکل‌گیری جامعه‌شناسی معرفت مسبوق به

1. Arditi

2. Mc Carthy

مک‌کارتی فصل مقدماتی کتاب را با این جمله آغاز می‌کند که جامعه‌شناسی معرفت جایگاه برجسته و هسته‌ای خود را (ولو گاهگاهی به صورت حاشیه‌ای) در علوم اجتماعی داشته و دارد. همین‌طور وی مطرح می‌کند که علیرغم تغییرات و ورود مباحث فرهنگی، جامعه‌شناسی معرفت نه از بین خواهد رفت و نه نظریه فرهنگی جای آن را خواهد گرفت.

3. Social Location

4. Informal Knowledge

5. Knowledge of Everyday Life

6. Knowledge Society

7. IT; Information Technology

8. Evers H. D.

9. Geertz

10. Wissens / Knowledge

### جامعه‌شناسی معرفت و فرهنگ: تنوع یا تغییر نگرش از کلاسیک به جدید

سابقه است و یک مثال آن تحلیل شلری در تغییرات نظام معرفتی<sup>۱</sup> تحت تأثیر سازمان اجتماعی و الگوی اقتدار و قدرت در آغاز قرون جدید است (توکل، ۱۳۷۰: ۴-۵۳). مثال کاربردی آن مطالعه کرین<sup>۲</sup> در مورد نقش و مسائل ارتباط جمعی در چاپ مقالات علمی (کرین، ۱۹۷۰) و به طور کلی تولید علمی که مورد علاقه جامعه‌شناسی معرفت جدید و از جمله مورد اشاره در مقاله سویدلر و آردیتی است.

تأکید دیگر این مقاله بررسی اشکال و اعمال دانستن<sup>۳</sup> به عنوان حوزه مطالعاتی نو در جامعه‌شناسی معرفت جدید است. باز لازم به ذکر است که فرایند دانستن و اشکالی که این فرایند بخود می‌گیرد و ارتباط آن با مؤلفه‌های دیگر ذهن از ملاحظات نظریه‌پردازان اصلی جامعه‌شناسی معرفت بوده است و کتاب *احساس کردن، دانستن و ارزش گذاشتن*<sup>۴</sup> ماکس شلر تنها یک اثر در تأیید این مطلب است (شلر، ۱۹۹۲).

برگردیم به وجه مشخصه‌ای که جامعه‌شناسی معرفت کلاسیک را از جامعه‌شناسی معرفت جدید جدا می‌کند. قبلاً متذکر شدیم که این وجه، وجه فرهنگی است و مرکزیت یافتن فرهنگ. اما اگر چنین است، جریان تاریخی که با خود تأکید بر فرهنگ را حمل می‌نمود در حقیقت از جامعه‌شناسی معرفت شلری فاصله نمی‌گرفت - بلکه از جامعه‌شناسی معرفت عرضه شده بر غرب آنگلو ساکسونی که جامعه‌شناسی معرفت مانهایمی بود فاصله می‌گرفت. این یک واقعیت شفاف و پرمصداتی است که ماکس شلر در پهنه‌های مختلف فکریش انگشت تأکید بر فرهنگ و مرکزیت حوزه فرهنگی داشت؛ هم در فلسفه متعالیش، هم در انسان‌شناسی فلسفی‌اش، هم در فلسفه تاریخ‌اش، هم در مباحث جهان‌بینی‌اش، و از همه مهم‌تر و مربوط‌تر به این بحث‌ها؛ هم در جامعه‌شناسی معرفتی‌اش. در سیستماتیک‌ترین اثرش در جامعه‌شناختی معرفت یعنی کتاب "مسائل یک جامعه‌شناسی معرفت" (شلر، ۱۹۸۰: ۶۷) بحث اساسی شلر با تأکید بر این نکته شروع می‌شود که این جامعه‌شناسی شناخت بخشی از جامعه‌شناسی فرهنگ است. این نگاه محیطی فرهنگ بر معرفت و نگاه احاطه‌کننده جامعه‌شناسی فرهنگ بر جامعه‌شناسی معرفت بارها در این کتاب و در آثار دیگر شلر تکرار می‌شود. پویایی فرهنگی، عقلانیت فرهنگی، فرهنگ‌پذیری و پیشرفت فرهنگی، نسبت فرهنگی و نسبت فرهنگ‌ها و جهان‌بینی‌ها و هم‌منظور نسبت آنها با سپهر ارزشی، از موضوعات محوری تحلیل فلسفی و جامعه‌شناختی شلر هستند و تأثیرگذار بر تحلیل‌های جامعه‌شناسی معرفتی وی - از جمله در

1. Knowledge Order
2. Crane
3. forms and practices of knowing
4. On Feeling, Knowing, and Valuing

فرایندهای اصلی آن مثل تعین اجتماعی سیستم‌های ذهنی و رابطه دیالکتیکی بین پارامترهای واقعی و پارامترهای ایده‌ای. به اذعان خیلی‌ها مفهوم "جهان‌بینی نسبتاً طبیعی"<sup>۱</sup> وی هنوز مفهومی اساسی در جامعه‌شناسی فرهنگ است و تحلیل وی از ریشه‌های تاریخی - اجتماعی جهان‌بینی جدید و اخلاق علمی<sup>۲</sup> و همین‌طور تبیین جامعه‌شناختی او از کینه و همدلی (شلر، ۱۹۵۴؛ ۱۹۶۱؛ ۱۹۹۲) از تحلیل‌های ماندگار جامعه‌شناسی فرهنگ.

### نتیجه‌گیری

در نتیجه، تحولاتی که در دهه ۶۰ قرن بیستم میلادی در حول و حوش جامعه‌شناسی معرفت در حال شکل‌گیری بود و از مهمترین بروزهای آن تجدیدنظرطلبی‌های گیرتر در نقد موقف‌ها و یا از دید وی توقفگاه‌های جامعه‌شناسی معرفت (مثلاً مسأله ایدئولوژی) و ترسیم صورت‌بندی جدیدی از آن به عنوان جامعه‌شناسی معرفت بعداثباتی<sup>۳</sup> با محوریت مسائل ایده‌ای، علائم، نشانه‌ها و معانی فرهنگی<sup>۴</sup>، چنانکه گفتیم بیشتر تغییر و نقد جامعه‌شناسی معرفتی مانهایمی است - و نه شلری<sup>۵</sup>. اتفاقاً این تحولات و ادامه آنها در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ می‌تواند یادآوری و مراجعه به جامعه‌شناسی معرفت شلری تعبیر شود و یا به قول برشادی<sup>۶</sup> (۱۹۹۲) اهمیت و تناسب ایده‌های شلری در این ارتباط دهه‌ها بعد از طرح آن توسط شلر، کشف یا احساس شود. واقعیت اینست که حجم و وزن جریانات غالب در سی‌چهل سال گذشته هرچه که باشد، نمی‌توان وجود و حضور ولو اظهار نشده جامعه‌شناسی معرفتی شلری (با دل مشغولی‌های فرهنگی و توجهات به ایده‌ها و معانی) و استمرار آن را در کارهای شخصیت‌هایی چون اشتارک، شوتز<sup>۷</sup>، برگر<sup>۸</sup> و لوکمان<sup>۹</sup> انکار کرد<sup>۱۰</sup>.

1. Relatively Natural World-View or Weltanschauung

2. Scientific Ethos

3. Post positivist Sociology of Knowledge

4. Semiotic

۵. چنین توجهات معناشناختی در گیرتر سابقه در رویکرد هرمنیوتیکی و به خصوص در اندیشه‌های دیلتای دارد - برای

مثال مراجعه کنید به کتاب *Pattern & Meaning in History* وی.

6. Bershadly

7. Alfred Schutz

8. Peter Berger

9. Thomas Luckmann

۱۰. صرف‌نظر از اینکه کارهای جامعه‌شناسی معرفت مرتون و پارسونز به خاطر نگاه ساختارگراییشان و نیز به خاطر تمرکز بر مسائل کلاسیک جامعه‌شناسی معرفت، کلاسیک تلقی می‌شود ولی باز در آنها رگه‌های فکری شلری به وضوح مشهود است.

## جامعه‌شناسی معرفت و فرهنگ: تنوع یا تغییر نگرش از کلاسیک به جدید

واقعیت این است که سؤال هسته‌ای و مسأله اساسی جامعه‌شناسی معرفت، تعیین اجتماعی معرفت، با هر تعبیری و تأکیدی که تلفظ شود و با هر مجموعه فروعی که همراه گردد، و با هر چشم‌اندازی که به ریشه‌ها، فرایندها، و تبعات اجتماعی آن نگاه شود، و با هر اقبال و ادباری که واقعیات و شرایط و مقتضیات حاصل از آن مواجه شود، و هر اثبات و سلبی که به آن روا داشته شود، سؤال ماندگار، روشن‌کننده، تحلیل‌بخش، و عمق‌افزای فهم انسان‌های اهل فکر از جهان اجتماعی ذهنی و عینی خواهد بود. کش و قوس‌ها، و افت و خیزهایی هم که جامعه‌شناسی معرفت در دهه‌های قرن بیستم داشته است، چنانکه دیدیم، به این واقعیت لطمه وارد نکرده است.

آنچه مهم است این است که جامعه‌شناسی معرفت، صرف‌نظر از اینکه به مسائل و توجهات کلاسیک آن مراجعه شود و یا به تأملات جدیدش نگریسته شود، شاخه‌ای جامعه‌شناختی نیست که به توان آن را تاریخ گذشته، غیر ضرور، استحاله شده، و جایگزین‌بردار اعلام کرد و یا حتی آن را کنار زد و به حاشیه راند. در زمانی که "فرهنگ"، "معرفت"، و "زبان" واقعیتهای بنیادین روزگارند و مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی زمان حاضر، و تم‌ها و عناوین جامعه‌اطلاعاتی، اقتصاد دانایی محور<sup>۱</sup> و جامعه معرفتی موضوعات فراگیر جهانی، جامعه‌شناسی معرفت بی‌شک ارائه‌دهنده چارچوب‌های نظری بی‌مثیلی است که توان فهم عمیق‌تر آنها را امکان‌پذیر می‌کند.<sup>۲</sup>

## منابع

- (۱۳۷۳) قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه: علیمحمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.  
(۱۳۸۱) تقسیم کار اجتماعی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: مرکز.  
آرون، ریمون (۱۳۶۴) مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.  
آرون، ریمون (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی معاصر آلمان، ترجمه: مرتضی ناقب‌فر، تهران: تبیان، چاپ اول.

### 1. Knowledge-Based Economy

۹. در این ارتباط برای آگاهی از مسائل جدیدتر مطروحه در جامعه‌شناسی معرفت مراجعه کنید به
- Meja V, Stehr N. 1999. *The Sociology of Knowledge* (2 Vols.), Cheltenham, UK: Northampton, Ma, USA: Edward Elgar Reference Collection.
  - Said E W. 2003. *Culture and Resistance: Conversations with Edward W. Said*, South End Press.
  - 1994. *Representations of the Intellectual*. New York: Vintage.
  - *Criticism in Society* (year of publication unknown).
  - Zammito J H. 2006. "What's 'new' in the Sociology of Knowledge?" pp 791-857 in Stephen P. Tumer and Mark W. Risjord (eds.) *Philosophy of Anthropology and Sociology*. Amsterdam: Elsevier.

- ابن خلدون (۱۳۷۳) مقدمه‌ای بر ابن خلدون، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران: ترجمه و نشر کتاب.
- برگر، پیتر و لوکمان، توماس (۱۳۷۵) ساخت اجتماعی واقعیت؛ ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- بورديو، پیر (۱۳۸۱) نظریه کنش، ترجمه: مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.
- توکل، محمد (۱۳۷۰) جامعه‌شناسی علم، تهران: صدوق.
- توکل، محمد (۱۳۷۵) "رویکرد تأویلی در مسیحیت و اسلام" در کتاب یادنامه آیت‌الله خاتمی، انتشارات قم.
- توکل، محمد (۱۳۷۷) "جامعه‌شناسی معرفت" فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال سوم، شماره: ۱۱ و ۱۲.
- توکل، محمد (۱۳۸۳) (زیر نظر) جامعه‌شناسی معرفت: جستاری در تبیین «ساخت و کنش اجتماعی» و «معرفت‌های بشری»، قم: حوزه و دانشگاه.
- توکل، محمد (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی معرفت و علم، تهران: سمت.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۴) صور بنیادین حیات دینی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: مرکز.
- روسو، ژان ژاک (۱۳۴۸) امیل یا آموزش و پرورش، ترجمه: غلامحسین زیرک‌زاده، تهران: چهره.
- روسو، ژان ژاک (۱۳۴۹) امیل، ترجمه: منوچهر کیا، تهران: گنجینه.
- روسو، ژان ژاک (۱۳۸۵) اعترافات، ترجمه: مهستی بحرینی، تهران: نیلوفر، چاپ دوم.
- سارتر، ژان پل (۱۳۷۹) اگزیستانسیالیسم اصالت بشر، ترجمه: مصطفی رحیمی، تهران: نیلوفر.
- سارتر، ژان پل، (۱۳۸۴) کلمات، ترجمه: ناهید فروغان، تهران: ققنوس.
- فوکو، میشل (۱۳۸۴ الف) اراده و دانستن، ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی، چاپ سوم.
- فوکو، میشل (۱۳۸۴ ب) مراقبت و تنبیه، ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۰) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- گورویچ، ژرژ (۱۳۵۸) مطالعاتی درباره طبقات اجتماعی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: جیبی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نی.
- مارکس، کارل (۱۳۷۷) ایدئولوژی آلمانی، ترجمه: تیرداد نیکی، تهران: اختران.
- مارکس، کارل (۱۳۷۷) دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴، ترجمه: حسن مرتضوی، تهران: آگه.
- مارکوزه، هربرت (۱۳۵۹) انسان یک ساحتی، ترجمه: محسن مؤیدی، تهران: امیرکبیر.
- مارکوزه، هربرت (۱۳۵۹) خرد و انقلاب، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: امیرکبیر.
- مانهایم، کارل (۱۳۸۰) ایدئولوژی و اتوپیا، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران: سمت.
- منتسکیو، شارل (۱۳۶۲) روح القوانین، ترجمه: علی‌اکبر مهتدی، تهران: امیرکبیر.
- ویر، ماکس (۱۳۷۴) اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه: عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت.

## جامعه‌شناسی معرفت و فرهنگ: تنوع یا تغییر نگرش از کلاسیک به جدید

ویر، ماکس (۱۳۷۴) *اقتصاد و جامعه*، ترجمه: عباس منوچهری، تهران: مولی.  
ویر، ماکس (۱۳۸۴) *دین، قدرت، جامعه*، ترجمه: احمد تدین، تهران: هرمس.

- Aron R. (1957) *The Opium of the Intellectuals*, London: Secker & Warburg.
- Aron R. (1965) *Main Currents in Sociological Thought*, London: Weidenfeld & Nicolson.
- Aron R. (1968) *Progress and Disillusion: The Dialectics of Modern Society*, Pall Mal Press.
- Becker H. (1982) *Art World*, Berkeley: University of California Press.
- Benedict R. 1934. *Patterns of Culture*. Boston: Houghton Mifflin.
- Berger P. & Luckmann T. (1963) *Sociology of Religion and Sociology of Knowledge*, *Sociology and Social Research*, 47, 4.
- Berger P. (1967) *The Sacred Canopy*, New York: Anchor Books.
- Bershady H J. (1992) Introduction to Max Scheler, *On Feeling, Knowing, and Valuing*. Chicago: University of Chicago Press.
- Bloch E. (1971) *On Karl Marx*, New York: Herder & Herder.
- Bloch E. (1972) *Atheism in Christianity*, New York: Herder & Herder.
- Bloch E. (1974) "Causality and Finality as Active Objectifying Categories", *Telos*, Fall. P. 21.
- Boas F. (1896) 1940. "The Limitations of the Comparative Method of Anthropology". Reprinted in Boas, *Race, Language, and Culture*. New York: Macmillan.
- Bottomore T. (1956) "Some Reflections on the Sociology of Knowledge", *The British Journal of Sociology*, March.
- Bourdieu P. (1984) *Distinction*. Cambridge, Mass: Harvard University Press.
- Bourdieu P. (1993) *The Field of Cultural Production: Essays on Art and Literature*. New York: Columbia University Press.
- Childe G. (1973) *Society and Knowledge*, Westport, CT: Greenwood.
- Comte A. (1982) *Positive History of the New Social Order*, ACCP.
- Coser, L, Charles K, Walter P. (1982) *The Culture and Commerce of Publishing*, New York: Basic Books.
- Coser, L. (1971) *Masters of Sociological Thought*, New York: Harcourt Brace.
- Crane D. (1970) "The Gatekeepers of Science: Some Factors Affecting the Selection of Articles for Scientific Journals", in Curtis & Petras, *The Sociology of Knowledge*, op.cit. Pp. 488-502.

- Dewey, J. (1925) *Experience and Nature*, New York: Dover (rpr).
- Dewey, J. (1938) *Logic: The Theory of Inquiry*, New York: Irvington (rp 1982).
- Dewey, J. (1970) "Interpretation of the Savage Mind", in Curtis & Petras, *The Sociology of Knowledge: A Reader*, New York: Prager.
- Dilthey W. 1962. *Pattern & Meaning in History*, New York: Harper.
- Durkheim E. (1915) *The Elementary Forms of the Religious Life*, London, (5th imp. 1964): George Allen & Unwin.
- Durkheim E. (1933) *Division of Labour in Society*, New York: The Free Press.
- Durkheim E. (1961) *Moral Education*, New York: Free Press.
- Evans- Pritchard. E. E. (1937) *Witchcraft, Oracles and Magic Among the Azande*. Oxford: Clarendon Press.
- Evans- Pritchard. E. E. (1940) *The Nuer*, London: Oxford University Press.
- Evers H D. (2000) "Epistemic Cultures: Towards a New Sociology of Knowledge", *Working Paper N°330*, Bielefeld:, University of Bielefeld.
- Evers H D. (2000) "Epistemic Cultures: Towards a New Sociology of Knowledge", *Working Paper N°330*, Bielefeld: University of Bielefeld.
- Foucault M. (1965) *Madness and Civilization*, New York: Pantheon.
- Foucault M. (1972) *The Archeology of Knowledge*, Tavistock: Irvington.
- Fromm E. (1963) *The Dogma of Christ, and Other Essays on Religion, Psychology and Culture*, New York: Basic Books.
- Fromm E. (1980) *Beyond the Chains of Illusion*, London: Routledge.
- Fromm, E. (1949) *Man for Himself: An Inquiry into the Psychology of Ethics*, London: RKP.
- Fromm, E. (1964) *Escape from Freedom*, New York: Avon Books.
- Geertz C. (1964) "Ideology as a Cultural System". In David E. Apter, ed., *Ideology and Discontent*. New York: Free Press.
- Geertz C. (1973) *The Interpretation of Cultures*. New York: Basic Books.
- Giddens A. (1991) *Modernity and Self-Identity, Self and Society in the Late Modern Age*. Cambridge: Policy.
- Giddens A. (1995) *Politics, Sociology and Social Theory: Encounters with Classical and Contemporary Social Thought*. Cambridge: Polity.
- Gramsci A. (1971) *The Coming Crisis of Western Sociology*, London: Heinemann

- Grunwald E. (1934) "Systematic Analyses", in Curtis & Petras, *The Sociology of Knowledge-A Reader* (1970). New York, Praeger Publisher, pp 187-237.
- Gurvitch G. (1963) *Determinismes Sociaux et Liberte Humaine*, P.U.F.
- Gurvitch G. (1971) *The Social Frameworks of Knowledge*, Oxford: Blackwell.
- Ibn-Khaldun. (1958) *The Muqaddimah*; London: RKP.
- Kolakowski, L. (1969) *Marxism and Beyond*, London: Pall Mall Press.
- Kolakowski, L. (1978) *Main Currents of Marxism*, Oxford: Clarendon Press.
- Korsch K. (1972) *Marxism and Philosophy*, London: BKS Demand.
- Kroeber. A & Clyde K. (1952) 1963. *Culture: A Critical Review of Concepts and Definitions*. New York: Vintage Books.
- Kroeber. A. (1952) *The Nature of Culture*. Chicago: University of Chicago Press.
- Kroeber. A. and Talcott Parsons, 1958, "The Concepts of Culture and Social System", *American Sociological Review* 23: 582-583.
- Levi- Strauss, Claude (1958) 1963. *Structural Anthropology*. New York: Basic Books.
- Levy- Bruhl, L. (1966) *Primitive Mentality*, Boston: AMS pr.
- Lukacs G. (1971) *History and Class Consciousness*, London: Merlin Press.
- Lukacs G. (1975) "The Ontological Bases of Human Thought and Action", *Telos*, Fall.
- Malinowski, B. (1927) *Sex and Repression in Savage Society*. London: Routledge.
- Malinowski, B. (1931) "Culture", in *Encyclopedia of the Social Sciences*, 4:621-646.
- Mannheim, K. & P. Kecskemeti (ed.) (1924) *Essays on the Sociology of Knowledge*, New York: Harcourt, Brace & World.
- Mannheim, K. (1929) *Ideology and Utopia*, New York: Harcourt, Brace & World.
- Mannheim, K. (1957) *Systematic Sociology*, London: RKP.
- Marcuse, H. (1955) *Reason and Revolution*, London: RKP.
- Marcuse, H. (1956) *Eros and Civilization*, Boston: Beacon Press.
- Marcuse, H. (1970) *Five Lectures*, London: Allen Lane.
- Marcuse, H. (1972) *One Dimensional Man*, London: Merlin Press.
- Marx K. (1904) *A Contribution to the Critique of Political Economy*, Chicago: Charles H. Kerr.
- Marx K. (1959) *Economic and Philosophical Manuscripts of 1844*, London: Lawrence & Wishar.
- Marx K. (1963) *Early Writings*, Bottomore, T., (ed), London: C. A. Watts.

- Marx K. (1975) (T. Bottomore, ed & intr.) *Karl Marx on Sociology and Social Philosophy*, Middlesex: Pelican Books.
- Marx K. (and Engels) (1970) *The German Ideology*, London: Lawrence and Wisherd.
- Mauss M, & Durkheim E. (1970) *Primitive Classification*, London: Cohen & West.
- McCarthy E. Doyle. (1996) *Knowledge as Culture: The New Sociology of Knowledge*. New York and London: Routledge.
- Mead M. (1928) *Coming of Age in Samoa*, New York: Morrow.
- Mead M. (1958) *Sex and Temperament in Three Primitive Societies*, New York: Morrow.
- Mead, G. H. (1932) *Philosophy of the Present*, Chicago: U Ch Press.
- Mead, G. H. (1934) *Mind, Self, and Society*, Chicago: U Ch Press.
- Mead, G. H. (1938) *Philosophy of the Act*, Chicago: U Ch Press.
- Merleau-Ponty, M. (1962) *Phenomenology of Perception*, London: Routledge.
- Merleau-Ponty, M. (1963) *The Structure of Behaviour*, Boston: Duquesne.
- Merleau-Ponty, M. (1964) *Signs*, Evanston: Northwestern U Press.
- Merleau-Ponty, M. (1974) *Phenomenology, Language and Sociology*, London: Heinemann.
- Merton R. (1937) "The Sociology of Knowledge" In *Isis*, Vol: 27, Issue: 3, Pp. 493-503.
- Merton R. (1957) *Social Theory and Social Structure*. Glencoe, Ill.: Free Press.
- Merton R. (1970) "Paradigm for the Sociology of Knowledge", in Curtis & Petras, *The Sociology of Knowledge: Reader*, New York: op.cit.
- Mill J S. 1848. *Principles of Political Economy*, London: OUP (rp 1994).
- Mills, C. W. (1939) "Language, Logic and Culture", *American Sociological Review*, IV, 5, Pp 670-680.
- Mills, C. W. (1940) "Methodological Consequences of the Sociology of Knowledge", *American Journal of Sociology*. P. XLVI.
- Montesquieu C. L. (1977) *The Spirit of the Laws*, Berkeley: UCP.
- Pareto V. (1935) *The Mind and Society*, New York: AMS Pr.
- Parsons, T. (1959) "An Approach to the Sociology of Knowledge", *Transactions of the Fourth World Congress of Sociology IV*: 25-49, Louvain: International Sociological Association.
- Parsons, T. (1961) "Culture and the Social System". In T. Parsons, E. Shils, K. P. Naegle, and J. R. Pitts, et al., eds., *Theories of Society*, Vol. II. New York: Free Press.
- Peirce, C. S. (1958) *Papers Collected*, Cambridge- Mass: Harvard University Pres.

- Polanyi M. (1958) *Personal Knowledge*, Chicago: University Chicago Press.
- Radcliffe-Brown A R. (1952) *Structure and Function in Primitive Society: Essays and Addresses*. New York: Free Press.
- Remmling G. (1973) *Towards the Sociology of Knowledge*, London: RKP.
- Rousseau J. (1911) *Emile*, London: Basic Books (rp 1979).
- Saint-Simon H. 1964. *Social Organization, the Science of Man, and Other Writings*, New York: Harper & Row.
- Sartre, J. P. (1948) *Existentialism and Humanism*, London: Haskell House.
- Sartre, J. P. (1955) *Literary and Philosophical Essays*, London: Rider.
- Sartre, J. P. (1972) *The Psychology of Imagination*, London: Citadel.
- Sartre, J. P. (1976) *Critique of Dialectical Reason*, London: Routledge.
- Schaff, A. (1962) "Studies of the Young Marx: A Rejoinder", in L. Labedz's *Revisionism*, New York: Praeger.
- Scheler, M. F. (1954) *The Nature of Sympathy*, London: Routledge & Kegan.
- Scheler, M. F. (1958) *Philosophical Perspectives*, Boston: Beacon Press.
- Scheler, M. F. (1961) *Man's Place in Nature*, Boston: Beacon Press.
- Scheler, M. F. (1961) *Ressentment*, New York: Marquette.
- Scheler, M. F. (1970) "On the Positivistic Philosophy of the History of Knowledge and its Law of Three Stages", in Curtis & Petras, *The Sociology of Knowledge: a Reader*, New York: Praeger.
- Scheler, M. F. (1980) *Problems of a Sociology of Knowledge*, London: RKP.
- Scheler, M. F. (1992) *On Feeling, Knowing, and Valuing*. Chicago: University of Chicago Press.
- Schutz A. (1964) *Collected Papers*, (3 Vols), The Hague: Martinus Nijhoff.
- Simmel G. 1971[1908]. *On Individuality and Social Forms*, ed./trans. Donald N. Levine. Chicago: University of Chicago.
- Sombart W. (1922) *Luxury and Capitalism*, Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Sombart W. (1969) *A New Social Philosophy*, New York: Greenwood.
- Sorokin P. (1964) *Sociocultural Causality, Space, Time*, New York: Russell & Russell.
- Stark W. (1958) "The Conservative Tradition in the Sociology of Knowledge", in Remmling (ed) *Towards the Sociology of Knowledge*, op.cit.
- Stark W. (1958) *The Sociology of Knowledge*, London: RKP.
- Stark W. (1960) *Montesquieu*, London: RKP.

- Stark W. (1962) *The Fundamental Forms of Social Thought*, London: RKP.
- Stehr N, Meja V. (1985) in *The Social Science Encyclopedia* (Kuper & Kuper eds), London: Routledge, Pp 431-2.
- Swidler A, Arditi J. (1994) "The New Sociology of Knowledge", *Annual Review of Sociology*, 20:305-329.
- Tavakol M. (1987) *Sociology of Knowledge: Theoretical Problems*, New Delhi: Sterling.
- Tavakol, M. (2006) "Max Scheler, Emmanuel Levinas, and Islamic Philosophy: a Comparative Approach to the Concept of Responsibility", *Romania- Bucharest*.
- Veblen T. (1919) *The Place of Science in Modern Civilization*, New York: (rp 1961) Russell & Russell.
- Vico G. (1961) *Scienza Nuova*, tr. M. Bergin& T. Fisch, New York: Cornell U Press.
- Weber A. (1921) *Fundamentals of Culture- Sociology*, UMI.
- Weber M. (1930) *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*, London: (rp) Routledge.
- Weber M. (1974) *From Max Weber*, (ed & tr., Gerth and Mills), London: RKP.
- Weber M. (1978) *Economy and Society*, Berkeley: University Cal Press.
- Znaniecki F. (1940) *Social Role of the Man of Knowledge*, New York: Columbia University Press.